

پشت پرده حمایت رژیم صهیونیستی از رضا پهلوی:

## از هدایت کمپین‌های مجازی با هوش مصنوعی تا طرح نتانیاهاو برای تجزیه کشور

در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در حوادث اخیر، فرح پهلوی هیچ گاه به صورت علنی و آشکار از متجاوز به خاک ایران حمایت نکرد. چرا که این امر مخالف هرگونه گفت‌وگو با ملی‌گرایان افراطی پهلوی‌ها و در نظر همه نوعی خیانت به وطن محسوب می‌شد.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر به نقل از تابناک، در فضای پیچیده جنگ شناختی علیه ایران، جبهه‌های جدیدی با هویت‌های پوشالی شکل گرفته‌اند. گزارش حاضر بر یکی از عریان‌ترین این جبهه‌ها متمرکز است: افشای عملیات سایبری و رسانه‌ای رژیم صهیونیستی که از جریان سلطنت‌طلبی، به‌ویژه شخص رضا پهلوی، به عنوان یک اهرم فشار استفاده می‌کند.

این گزارش مستندات جدیدی را ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد چگونه منابع، تاکتیک‌ها و استراتژی‌های نفوذ این جریان، نه از بطن نارضایتی‌های داخلی، بلکه مستقیماً از اتاق‌های فکر تل‌آویو هدایت می‌شود. این رابطه نه یک همسویی ایدئولوژیک، بلکه یک استثمار استراتژیک است؛ جایی که آرزوهای یک گروه سیاسی به ابزاری برای تحقق اهداف منطقه‌ای اسرائیل تبدیل شده است.

نفرت عمومی از رژیم صهیونیستی در ایران، ریشه در آرمان‌های انقلاب اسلامی و رویکرد امام خمینی(ره) در مقابله با سلطه شرق و غرب دارد. تازه‌ترین اسناد منتشر شده از سوی روزنامه اسرائیلی هآرتص و مؤسسه کانادایی Citizen Lab نشان می‌دهد اسرائیل با استفاده از هوش مصنوعی و حساب‌های جعلی در شبکه‌های اجتماعی، کمپین‌های تبلیغاتی سلطنت‌طلبان را هدایت و تأمین مالی کرده است.

این عملیات با هدف تضعیف وحدت ملی و بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران طراحی شده است. روابط آشکار رضا پهلوی و جریان سلطنت‌طلب با تل‌آویو، آنها را به بخشی از پروژه ضدمیهنی موساد تبدیل کرده است؛ پروژه‌ای که با بهره‌گیری از نمادهای تاریخی ایران، می‌کوشد براندازی نظام و تجزیه کشور را عادی‌سازی کند. مقاومت ملت ایران در برابر چنین طرح‌هایی، بار دیگر بر عمق آگاهی ملی و پایبندی به استقلال و تمامیت ارضی کشور تأکید دارد.

نقش اسرائیل در هدایت کمپین‌های سلطنت‌طلبان ایرانی

موسسه کانادایی «سیتیزن لب» و روزنامه هآرتص فاش کردند رژیم صهیونیستی پشت پرده کمپین‌های سلطنت‌طلبان ایرانی در فضای مجازی قرار دارد و موساد از طریق هوش مصنوعی و اکانت‌های جعلی، کارزارهای سلطنت‌طلبان و هواداران رضا پهلوی را پوشش می‌دهد.

روزنامه هآرتص و موسسه کانادایی Citizen Lab، در گزارش تحقیقی مشترکی که اخیراً منتشر شده، پرده از یک عملیات گسترده دیجیتال به زبان فارسی برداشته‌اند که توسط اسرائیل هدایت و با پول مالیات‌دهندگان این رژیم تأمین مالی شده است. این کمپین که با استفاده از هوش مصنوعی و حساب‌های جعلی در شبکه‌های اجتماعی مانند ایکس و اینستاگرام، تصویر ربع پهلوی را ترویج می‌کند، نه تنها مهر تأییدی بر روابط عمیق او با اسرائیل می‌زند، بلکه هدف اصلی این پروژه را آشکار می‌کند: تجزیه ایران و تضعیف وحدت ملی.

اما این افشاگری تنها تأیید آنچه از پیش برای بسیاری روشن بود، نیست، بلکه لایه‌های پنهان یک توطئه ژئوپلیتیک را برملا می‌کند که خاندان منحوس پهلوی و جریان سلطنت‌طلب را به ابزاری برای اجرای سیاست‌های تل‌آویو در قبال ایران تبدیل کرده است.

دست موساد در پشت پرده تبلیغات پهلوی در فضای مجازی

از دیدارهای رسمی با مقامات رژیم صهیونیستی تا حمایت علنی سلطنت‌طلبان از تل‌آویو در تجمعات و فراخوان‌های هماهنگ با حملات اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه، همه نشان‌دهنده یک پروژه ضدمیهنی است که از مدت‌ها پیش قابل تشخیص بود. سلطنت‌طلبان هر از چندگاهی نیز به حمایت از رابطه با اسرائیل دست به تجمعاتی چند نفره در مقابل سفارت خانه‌های ایران در کشورهای اروپایی می‌زنند.

حالا اما هآرتص، به عنوان یک رسانه صهیونیستی، این حقیقت را با جزئیات افشا کرده و ثابت می‌کند جوسازی‌های مجازی سلطنت‌طلبان، از هشتک‌های پرزرق‌وبرق تا ویدئوهای پربازدید، چیزی جز یک عملیات ساختگی اسرائیلی نیست.

روابط دیکتاتورزاده پهلوی با اسرائیل ریشه‌های عمیق‌تر از تعاملات اخیر او دارد. رژیم پهلوی، در زمان محمدرضا، متحد نزدیک رژیم صهیونیستی بود و این همکاری تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. پس از سرنگونی رژیم شاه، این روابط به حاشیه رفت اما با ظهور ربع پهلوی به عنوان چهره‌ای در اپوزیسیون خارج‌نشین، بار دیگر احیا شد.

سلطنت‌طلبان؛ ابزار جنگ روانی اسرائیل علیه ملت ایران

در حالی که اکثر چهره‌های اپوزیسیون ایرانی از این حملات انتقاد کردند یا لاف‌سکوت اختیار کردند، ربع پهلوی آشکارا از آن حمایت کرد و آن را «فرصتی برای سرنگونی جمهوری اسلامی» دانست. او در بیانیه‌ای اعلام کرد این جنگ ایران نیست و از مردم خواست به خیابان‌ها بریزند تا جمهوری اسلامی را سرنگون کنند؛ فراخوانی که مستقیماً با اهداف نتانیاهو همخوانی داشت.

دیکتاتورزاده پهلوی حتی پا را فراتر گذاشت و مدعی شد مردم ایران «از مباران‌ها استقبال کرده‌اند!» این موضع‌گیری که بی‌توجه به شهادت صدها غیرنظامی بود، عملاً پهلوی را در برابر مردم ایران و در کنار متجاوز به خاک وطن قرار داد.

البته این حمایت تنها یک موضع‌گیری سیاسی نبود، بلکه بخشی از یک پروژه هماهنگ بود که هدف واقعی آن، فراتر از براندازی جمهوری اسلامی، تجزیه ایران است. بهزاد نبوی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در روزهای ابتدایی شهریورماه طی مصاحبه‌ای نقل کرد؛ در جریان آخرین سفر پهلوی به سرزمین اشغالی، نتانیاهو به او گفته است: «تو شاه بخش مرکزی ایران می‌شوی؛ نه همه ایران. ایران باید تجزیه شود». این نقل‌قول که طبق گفته نبوی از منبعی موثق به او رسیده، نشان‌دهنده طرح ژئوپلیتیک رژیم برای تقسیم ایران به مناطق قومی است؛ پروژه‌ای که پهلوی را به عنوان چهره‌ای ظاهری برای پیشبرد این هدف پنهان قرار داده است. سلطنت‌طلبان نیز با حمایت از این طرح، به ابزاری برای اجرای یک پروژه ضدمیثنی تبدیل شده‌اند که وحدت ملی ایران را تهدید می‌کند. با این حال، ربع پهلوی که از سال ۱۹۷۹ خاک ایران را ندیده و بار سیاسی پدرش به عنوان دیکتاتور فاسد و سرکوبگر را به دوش می‌کشد، نمی‌تواند نماینده آرمان‌های مردم ایران باشد اما به عنوان مهره‌ای در استراتژی اسرائیل عمل می‌کند. (۱)

گزارش رسانه صهیونیستی هآرتص و موسسه Citizen Lab این تصویر را کامل می‌کند؛ گزارشی که در روزهای اخیر از سوی هآرتص منتشر شد، نشان می‌دهد اسرائیل، از طریق یک نهاد خصوصی با حمایت دولتی، کمپین گسترده‌ای را برای ترویج رضا پهلوی و احیای سلطنت هدایت می‌کند. این کمپین که از زمان سفر سال ۲۰۲۳ پهلوی شدت گرفته، از صدها حساب جعلی در پلتفرم‌هایی مانند ایکس و اینستاگرام استفاده می‌کند که به عنوان شهروندان ایرانی ظاهر می‌شوند. حساب‌هایی که بسیاری از آنها در سال ۲۰۲۲ و ژوئن ۲۰۲۵ (جنگ ۱۲ روزه) ایجاد شده‌اند و پیام‌های حمایت از پهلوی را با هشتگ‌هایی مانند #KingRezaPahlavi پخش می‌کنند. (۲)

همچنین ابزارهای هوش مصنوعی برای تولید محتوا، از جمله ویدئوهای دیپ‌فیک (جعل عمیق، ترکیبی از کلمه‌های «یادگیری عمیق» و «جعلی»، یک تکنیک برای ترکیب تصویر انسان مبتنی بر هوش مصنوعی است) نیز در این کمپین به کار گرفته شده‌اند. برای مثال، هآرتص به ویدئویی اشاره می‌کند که ساخته هوش مصنوعی است و با عنوان «سال آینده در تهران آزاد» که نتانیاهو، گملیل و پهلوی را در خیابان‌های تهران نشان می‌دهد منتشر شد و بیش از ۶۰۰ هزار بازدید جعلی کسب کرد.

هآرتص اشاره می‌کند Citizen Lab همچنین شبکه‌ای جداگانه با بیش از ۵۰ حساب جعلی را کشف کرده که با حمله اسرائیل به زندان اوین در جریان جنگ ۱۲ روزه، هماهنگ بود: این حساب‌ها، پیش از گزارش‌های رسمی ایران، «انفجارها» را گزارش دادند و ویدئویی جعلی از انفجار پخش کردند که بعدتر توسط نیویورک‌تایمز ساختگی تشخیص داده شد. این عملیات که Citizen Lab آن را «Prison Break» می‌نامد، با اقدامات نظامی اسرائیل علیه ایران همزمان بود و نشان‌دهنده دسترسی اپراتورها به اطلاعات محرمانه پیش از حمله است.

روایت CitizenLab از شبکه جعلی فارسی‌زبان صهیونیستی

Citizen Lab نتیجه‌گیری می‌کند این کارزار هدف ایجاد آشوبی را دنبال می‌کرد که می‌توانست به ایجاد بی‌ثباتی در کشور کمک کند.

با توجه به این نکته، می‌توان درباره ایده نتانیاهو مبنی بر ایجاد آشوب و ناامنی و سپس تغییر نظام سیاسی در ایران واقع‌بینانه نظر داد. با توجه به این واقعیت، می‌توان گفت اساساً پروژه آشوب اجتماعی و تغییر نظام سیاسی ایران از طریق سلطنت‌طلبان، بیشتر از آنکه در تل‌آویو یک هدف‌گذاری واقعی و مهم باشد، یک عملیات روانی و پروپاگاندای رسانه‌ای است. در این حالت، پروژه سلطنت‌طلبان بیشتر یک فشار روانی علیه جمهوری اسلامی ایران است تا یک تهدید بالقوه واقعی. البته این بدین معنا نیست که اساساً نتانیاهو به دنبال این هدف نباشد.

مواضع مقامات صهیونیست در خلال جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، اقدامات این رژیم از جمله تسلیح گروهک‌های تروریست در غرب و شرق ایران، برخی تحرکات ضدامنیتی رژیم صهیونیستی در داخل ایران و از همه مهم‌تر هدف قرار دادن برخی مراکز و اماکن انتظامی و امنیتی و همچنین زندان اوین در تهران، به وضوح نشان می‌دهد نتانیاهو پروژه ایجاد آشوب و ناامنی در ایران را دنبال و از این طریق، برای تغییر نظام سیاسی ایران تلاش می‌کند.

اینجا باید یک تفکیک میان پروژه آشوب و ناامنی و نیز پروژه تغییر نظام سیاسی انجام داد. به نظر می‌رسد در طراحی موساد و سیا، کارکرد سلطنت‌طلبان کمک به ایجاد آشوب در ایران است اما در مرحله تغییر نظام، قاعدتاً موساد و سیا چندان روی این گروه حساب باز نمی‌کنند. واقعیت این است ایران بسیار بزرگ‌تر و پیچیده‌تر از آن است که نظام حاکم بر آن با این دست سناریوهای خارجی تغییر کند.

جدا از استحکام و اعتبار جمهوری اسلامی، واقعیت‌های مربوط به فرهنگ و باورهای عمومی، ایران را نسبت به کشورهای منطقه کاملاً متمایز می‌کند. کما اینکه واکنش مردم ایران به حمله نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا، این واقعیت‌ها را نشان داد.

بعید است مقامات رژیم صهیونیستی و آمریکا از این واقعیات بی‌خبر باشند یا اگر بی‌خبر بودند قاعدتاً با جنگ تحمیلی ۱۲ روزه تا حدودی مطلع شده‌اند.

تنها نیرویی که به‌طور رسمی سرسپردگی خود به اسرائیلی‌ها را اعلام کرده و آن را انکار نمی‌کند، سلطنت‌طلبان هستند. این گروه به ابزاری در جنگ روانی اسرائیل تبدیل شده است؛ چرا که سلطنت، حتی اگر هیچ خاصیتی برای اسرائیلی‌ها نداشته باشد، می‌کوشد مشروعیت‌بخشی به کشتار مردم غزه را در میان ایرانیان رواج دهد.

از «پیمان کوروش» تا جنگ رسانه‌ای: مهندسی هویت ایرانی در طرح اسرائیلی‌ها

در همین رابطه برخی از نزدیکان رضا پهلوی با مقامات رژیم صهیونیستی دیدار کرده‌اند که در این میان دیدار «گیلا گملیل» وزیر علم و فناوری این رژیم با مشاوران پهلوی رسانه‌ای شده است. براین اساس، گیلا گملیل از پیمانی با عنوان «پیمان کوروش» سخن گفته که مکمل «پیمان ابراهیم» است و در آن سعی دارد منطقه را بر اساس اهداف این رژیم ترسیم کند.

گیلا گملیل پیشتر رئیس اطلاعات اسرائیل بوده است و سبقه اطلاعاتی جاسوسی دارد و به عنوان رابطی میان اسرائیل و سلطنت‌طلبان شناخته می‌شود که سه سال پیش نیز زمینه دیدار رضاپهلوی با «بنیامین نتایهو» نخست وزیر این رژیم را فراهم کرد.

مطرح شدن اصطلاحاتی همچون «پیمان کوروش» توسط مقامات اسرائیلی، نشان می‌دهد که تل‌آویو قصد دارد با بهره‌گیری از نمادهای تاریخی ایران، یک مهندسی هویتی و سیاسی معکوس انجام دهد؛ اقدامی که هدف نهایی آن مشروعیت‌بخشی به حضور و نقش‌آفرینی اسرائیل در منطقه است. (۳)

ارتباط پهلوی با اسرائیل در فضای سیاسی کشور خصوصا افکارعمومی حتی از سوی خبرنگار ایران اینترنشنال به عنوان عاملی منفی تلقی شده و وی با توجه به نسل کشی رژیم صهیونیستی در غزه آن را یک چاقوی دو لبه قلمداد می‌کند.

روزنامه جروزالم‌پست چاپ سرزمین اشغالی، در گزارشی که اخیرا با عنوان «غرب باید از برنامه انتقال قدرت رضا پهلوی در ایران حمایت کند» منتشر کرده، مدعی است طرح اضطراری پروژه موسوم به «رفاه ایران»، ارائه شده توسط رضا پهلوی در کنفرانس مونیخ، نقشه راهی معتبر و قابل اجرا برای انتقال قدرت در ایران پس از فروپاشی جمهوری اسلامی مطرح می‌کند. (۴)

گزارش جروزالم‌پست، همراه با اخباری که در روزهای اخیر از دیدار هیاتی از سلطنت‌طلبان حامی پهلوی با رئیس رژیم صهیونیستی و وزیر علوم و فناوری اسرائیل و اظهارات صریح گیلا گملیل، وزیر علوم و فناوری اسرائیل در مصاحبه با اینترنشنال مینی بر حمایت اسرائیل از رضا پهلوی به دلیل «اعتماد مردم ایران به او (!)» منتشر شده، بخشی از یک جریان رسانه‌ای - سیاسی هماهنگ برای عادی‌سازی ایده براندازی است.

جنگ شناختی صهیونیستی با چهره سلطنت‌طلبی

در روزهای اخیر هیاتی از وابستگان و طرفداران رضا پهلوی به نمایندگی از او به سرزمین اشغالی سفر کردند تا با مقامات رژیمی که کمتر از ۳ ماه قبل بیش از ۱۰۰۰ نفر از مردم ایران را به شهادت رساند، دیدار و بر سر همکاری و استقرار پایه‌های توافق آبراهام پس از سقوط جمهوری اسلامی رایزنی کنند. در پی این سفر و دیدارها، گیلا گملیل، وزیر فعلی علوم و فناوری و وزیر پیشین اطلاعات رژیم صهیونیستی در مصاحبه با اینترنشنال به صراحت از پهلوی حمایت کرد. (۵)

گملیل به صراحت اعلام کرد اسرائیل از پهلوی حمایت می‌کند، زیرا «ملت ایران به او باور دارد». این ادعا در حالی مطرح می‌شود که نه تنها حمایتی از داخل ایران وجود ندارد، بلکه جریان سلطنت‌طلب و در مجموع اپوزیسیون، در خارج از کشور هم از مقبولیت و مشروعیت برخوردار نیستند.

به هر حال، آنطور که از گزارش جروزالم‌پست و البته مانور رژیم صهیونیستی روی رضا پهلوی برمی‌آید، شاهد یک روایت‌سازی هدفمند برای تئوریزه کردن براندازی هستیم.

پهلوی و تل‌آویو؛ پیوندی برای بی‌ثباتی منطقه‌ای

در سناریوی فروپاشی جمهوری اسلامی، پهلوی به احتمال زیاد نقشی مشابه جولانی در سوریه ایفا خواهد کرد که پس از بی‌ثباتی داخلی به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خارجی معرفی شد. جولانی در سوریه به عنوان یک رهبر به ظاهر سوری مطرح شد اما در عمل، منافع قدرت‌های خارجی را دنبال کرد.

به همین ترتیب، پهلوی می‌تواند به عنوان چهره‌ای معرفی شود که به ظاهر برای منافع ملی ایران عمل می‌کند اما در عمل، مجری سیاست‌های اسرائیل و متحدانش خواهد بود.

این استراتژی بویژه در پرتو تجربه جنگ ۱۲ روزه اهمیت می‌یابد. در طول این جنگ، به رغم تلاش‌های اسرائیل و اعلام آمادگی گروه‌های تجزیه‌طلب و تروریست، مردم ایران هیچ همراهی‌ای با این گروه‌ها نشان ندادند و در دفاع از تمامیت ارضی کشور پشت حاکمیت ایستادند. این مقاومت عمومی نشان‌دهنده حساسیت بالای جامعه ایران نسبت به تهدیدات خارجی و تجزیه‌طلبی است.

ترویج و طرح رضا پهلوی به عنوان یک چهره ملی (!) مشخصا تلاشی برای کاهش این حساسیت‌هاست. با این هدف که با معرفی شخصیتی به ظاهر ایرانی، مقاومت مردمی در برابر مداخله خارجی کاهش یابد و پروژه براندازی و تجزیه با حساسیت و موانع کمتری روبه‌رو شود.

در همین راستا، حمایت هماهنگ رژیم از رضا پهلوی و طرح او، همراه با فعال شدن ظرفیت‌های رسانه‌ای رژیم صهیونیستی در جهت شخصیت‌سازی از

رضا پهلوی، نشان‌دهنده یک تلاش سیستماتیک برای شکل‌دهی به افکار عمومی در داخل و خارج ایران است.

این جریان رسانه‌ای به دنبال ایجاد این تصور است که براندازی جمهوری اسلامی نه تنها ممکن، بلکه مطلوب است و می‌تواند بدون هرج و مرج و تجزیه به نتیجه برسد.

فاش‌شدن چهره واقعی سلطنت‌طلبان؛ هم‌پیمانان آشکار صهیونیسم

با این حال، چند نکته و واقعیت تاریخی این روایت را بی‌اعتبار می‌کند. اولاً، ادعای حمایت گسترده مردمی از رضا پهلوی فاقد شواهد مستقل و عملاً خلاف واقع است. جروزالم‌پست به نظرات شبکه‌های اجتماعی و بحث‌های تلویزیونی اشاره می‌کند اما اینها لزوماً بازتاب‌دهنده نظر اکثریت مردم ایران نیست، بویژه آنکه بدانیم گردهمایی اپوزیسیون در مونیخ که قرار بود قدرت‌نمایی آنها در مقابل جمهوری اسلامی باشد، با شفافیت هرچه تمام‌تر فصاحت آنان را به نمایش گذاشت؛ زمانی که با عدم توجه مطلق خارج‌نشینان مواجه شد.

رضا (ربیع) پهلوی نیز در سال‌های اخیر به خیال اینکه در اعتراضات چندین سال گذشته ایران شعارهای سازماندهی شده در حمایت از پهلوی‌ها توسط برخی عناصر فریب خورده داده می‌شد، گمان می‌کند در میان مردم ایران از مشروعیت و محبوبیت برخوردار است. برای همین بر فعالیت‌های سیاسی خود افزوده و به مانند پیشینیان خود به جای تکیه بر عناصر ایرانی به یک کشور خارجی و آن هم نه آمریکا یا انگلیس بلکه به کشور اسرائیل که خود نیازمند حمایت و پشتیبانی آمریکاست، رو آورده است. (۶)

و در پایان

نکته جالب توجه اینکه در مدت بیش از چهار دهه که از ادعای رضا (ربیع) پهلوی بر سلطنت ایران می‌گذرد، هیچ یک از مخالفان و اپوزیسیون جمهوری اسلامی از طیف‌های مختلف چپ تا راست از کمونیست‌ها تا ملی‌گرایان و حتی تعداد زیادی از کارگزاران و طرفداران حکومت پهلوی با توجه به شناختی که از روحیه و شخصیت او دارند، هرگز حول محور او جمع نشده و نسبت به رهبری ربیع پهلوی به اجماع نرسیدند.

به همین دلیل در پی تحولات اخیر و آغاز جنگ تحمیلی اسرائیل علیه ایران، برای اینکه خودی نشان دهد و خود را جایگزین مناسبی به مردم ایران نشان دهد به متجاوز به خاک ایران آویزان شده است. اقدامی که بدون شناخت واقعی از روحیه جمعی ایرانیان و جامعه‌شناختی مردم ایران انجام داد و چهره واقعی ربیع پهلوی و اندک سلطنت‌طلبان بازگشت پهلوی را به مردم ایران نمایان ساخت. (۷)

باید گفت حمایت اخیر رضا (ربیع) پهلوی از حمله اسرائیل به ایران در بین خاندان‌های سلطنتی در طول تاریخ بی‌سابقه بوده است. به نوعی که حتی پدربزرگ و پدرش و حتی مادرش، فرح پهلوی (دبیا) از هیچ‌تجاوز نظامی به ایران حمایت نکردند.

در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در حوادث اخیر، فرح پهلوی هیچ‌گاه به صورت علنی و آشکار از متجاوز به خاک ایران حمایت نکرد. چرا که این امر مخالف هرگونه گفتمان ملی‌گرایی افراطی پهلوی‌ها و در نظر همه نوعی خیانت به وطن محسوب می‌شد. این در حالی است که رضا (ربیع) پهلوی در جنگ اخیر به صورت آشکار و علنی خود را نه در کنار مردم ایران بلکه در کنار اسرائیل و صهیونیست‌ها دانست.

علی معروفی آرانی پژوهشگر یهودیت و صهیونیسم

منابع:

۱- مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۲- رسانه صهیونیستی هاآرتص و موسسه Citizen Lab

۳- همشهری آنلاین تاریخ: ۱۳/ شهریور/ ۰۴ ساعت ۱۰:۳۴ / شناسه خبر: ۱۹۳۷۲۹ جنگ داخلی در ایران؟ پشت پرده سفر اخیر سلطنت‌طلبان به تل‌آویو

۴- همان قبلی

۵- همان قبلی

۶- مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۷- مرکز اسناد انقلاب اسلامی